اعدام مرد بی غیرت در زندان مشهد

گروه حوادث – ضربه ای با چاقو به گلویش زدم که تیغه آن ازسوی دیگر بیرون آمد!

مرد ۴۵ ساله ای که سه سال قبل همسرش را به دلیل اختلافات خانوادگی به قتل رسانده بود، سپیده دم روز گذشته در حالی به دار مجازات آویخته شد که مدعی بود سوءظن و بی اعتمادی زندگی اش را به نابودی کشاند. ماجرای این جنایت هولناک هفدهم شهریور سال ۹۶ زمانی لو رفت که پسر ۱۴ ساله ای هر چه با تلفن مادرش تماس می گرفت کسی پاسخ گوی تلفن نبود! پسر نوجوان که به دلیل اختلافات شدید پدر و مادرش به منزل دایی اش رفته بود تا از این هیاهوی خانوادگی دور بماند، دچار نگرانی اضطراب آمیزی شد و خیالات متفرق، افکارش را به هم ریخت.

او به ناچار صبح جمعه به طرف منزل خودشان حرکت کرد که در نزدیکی منزل دایی اش بود. پسر نوجوان هراسان کلید را درون قفل منزل ویلایی ۵۰متری چرخاند و به طرف پذیرایی دوید ولی با دیدن پیکر غرق در خون مادرش که کنار پشتی منزل قرار داشت وحشت زده فریاد کشید و با دایی اش تماس گرفت. چند دقیقه بعد و با تماس برادر مقتول، نیروهای انتظامی عازم خیابان بهمن در منطقه خواجه ربیع شدند. آنان با مشاهده وضعیت به هم ریخته منزل به حفظ صحنه حادثه پرداختند و مراتب را در غیاب قاضی میرزایی (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) به قاضی سیدجواد حسینی (معاون دادستان و بازپرس ویژه جرایم خاص) اطلاع دادند.

با حضور معاون دادستان مرکز خراسان رضوی در صحنه جنایت، تحقیقات قضایی و علمی در این باره آغاز شد. جسد زن ۳۴ ساله که سمیه نام داشت به صورت نیمه نشسته در کنار پشتی منزل افتاده بود و آثار جسم سخت روی سر و بریدگی زیر گلوی وی، حکایت از آن داشت که مقتول با ضربات چاقو و میله آهنی به قتل رسیده است.

پاره‌شدن‌بخشی‌ازلباس‌هاوخراشیدگی‌های روی ساعد و دستان مقتول همچنین بیانگر آن بود که بین قاتل و مقتول درگیری رخ داده است و آثار و علایم دفاعی روی پیکر مقتول خودنمایی می کرد از سوی دیگر نیز تکه‌های شکسته یک بشقاب و آثاری از خون روی میز تلویزیون و دیوار منزل این موضوع را تایید می کرد.

در حالی که سرنخ‌های تحقیقات جنایی به سوی اختلافات خانوادگی کشیده می‌شد، کشف لباس‌های خون آلود مردانه در اتاق خواب کوچک و تایید پسر نوجوان که پیراهن و شلوار مردانه متعلق به پدرش است، بر این فرضیه قضایی مهر تایید زد و بدین ترتیب با صدور دستوری از سوی قاضی حسینی، «جواد–الف» (مرد ۴۲ ساله) تحت تعقیب کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی قرار گرفت اما صبح روز بعد، متهم فراری که شب را در اطراف کلانتری سپری کرده بود، خود را تسلیم قانون کرد.

این گونه بود که ادامه رسیدگی به این پرونده جنایی را قاضی کاظم میرزایی (قاضی ویژه قتل عمد مشهد) به عهده گرفت و بازجویی‌های تخصصی از متهم ۴۲ ساله در شعبه ۲۱۱ دادسرای عمومی و انقلاب آغاز شد.

مرد همسرکش که تحت الحفظ نیروهای انتظامی به شعبه ویژه پرونده‌های جنایی هدایت شده بود، در حالی که با سوالات تخصصی قاضی میرزایی هیچ راه گریزی را تصور نمی کرد لب به اعتراف گشود و قتل همسرش را به گردن گرفت. او سپس در بازسازی صحنه جنایت هم با بیان جزئیات دیگری از ماجرای قتل همسرش با انگیزه سوءظن گفت: «سمیه» دختر دایی من بود ولی از همان روزهای آغازین دوران نامزدی با هم اختلاف داشتیم چرا که رفتارهای همسرم موجب بی اعتمادی من شده بود! وقتی فرزندم به دنیا آمد من در شهرداری استخدام شدم و زباله جمع آوری می‌کردم. در همین زمان هم بود که معتاد شدم و به مصرف شدید مواد مخدر روی آوردم ولی هیچ وقت درباره مواد مخدر با هم درگیری نداشتیم چرا که بسیاری از اطرافیان همسرم نیز آلوده به مواد مخدر بودند و او نمی توانست از این طریق مرا تحقیر کند!

ولی سوء ظن و بی اعتمادی از هنگامی بین ما فاصله عمیق انداخت که با یکدیگر در یک کارگاه تولید شیشه مشغول کار شدیم و او بر خلاف میل من رفتار می کرد گاهی ساعت‌های زیادی را در خارج از خانه به سر می‌برد و اعتراض‌های مرا نیز تحویل نمی گرفت وقتی می‌پرسیدم کجا بودی؟ جواب سر بالا می‌داد، می گفت: با دوستانم بودم! همین موضوع همواره به مشاجره و درگیری بین ما می‌انجامید و در نهایت «سمیه» با قهر منزل را ترک می‌کرد تا به خانه پدرش برود!

متهم این پرونده جنایی ادامه داد: یک بار وقتی به جرم مواد مخدر دستگیر و زندانی شدم دیگر رشته زندگی هم از دستم در رفت! این اختلافات بعد از آزادی من طوری شدت گرفت که دیگر همسرم توجهی به من نداشت چند ماه قبل از این حادثه (قتل) او مهریه اش را اجرا گذاشت و از من شکایت کرد! با آن که خیلی عصبانی بودم باز هم خانه کوچکم را به نام او ثبت کردم ولی هیچ گاه مشاجرات و درگیری ما که به خاطر سوء ظن شکل گرفته بود، پایان نیافت تا این که ساعت ۱:۳۰ جمعه (هفدهم شهریور) به خانه آمد من که دیگر به شدت خشمگین شده بودم از او درباره دیر آمدنش به منزل پرسیدم اما باز هم با همان پاسخ تکراری روبه رو شدم «با دوستانم بودم!»

وقتی این جمله را از زبانش شنیدم دیگر خون جلوی چشمانم را گرفت. همه درگیری‌های قبل مانند سکانس‌های فیلم از مقابل چشمانم عبور کرد. آن قدر عصبانی بودم که نمی فهمیدم چه می‌کنم! میله آهنی لوله آب را برداشتم و ضرباتی به سرش کوبیدم! سپس چاقوی میوه خوری را در گلویش فرو کردم طوری که تیغه آن از آن طرف بیرون زد! و خون به اطراف پاشید! در همان حال پیکر مجروح همسرم را رها کردم و با تعویض لباس‌های خون آلودم از منزل گریختم! تا صبح در اطراف کلانتری خواجه ربیع پرسه می‌زدم، تا این که خودم را از تردید رها کردم و تسلیم قانون شدم! الان هم بسیار پشیمانم چرا که دوفرزندم یتیم شدند و ... پس از تکمیل تحقیقات از زوایای علمی کارشناسی و قضایی و همچنین جمع آوری اسناد و مدارک محکمه پسند از سوی قاضی کاظم میرزایی، کیفرخواست این پرونده جنایی در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد صادر شد و بدین ترتیب متهم همسرکش در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی پای میز محاکمه ایستاد.

قضات با تجربه این شعبه که سابقه سال ها رسیدگی به پرونده‌های خاص و مهم را در کارنامه قضایی خود دارند، پس از برگزاری چندین جلسه محاکمه با حضور اولیای دم و وکلای مدافع، در نهایت رای به قصاص نفس «جواد–الف» دادند چرا که استدلال‌های قاطع قضایی در محتویات این پرونده جنایی موج می‌زد و متهم هیچ راه گریزی برای فرار از مجازات نداشت.

این گزارش حاکی است، با تایید رای صادرشده در دیوان عالی کشور، مقدمات اجرای حکم قصاص نفس مرد ۴۵ ساله با دستور قاضی محمدرضا دشتبان (معاون اجرای احکام دادستان مرکز خراسان رضوی) فراهم شد و بدین ترتیب مرد همسرکش که با تیغ سوء ظن دست به جنایتی هولناک در مشهد زده بود، پای چوبه دار رفت و با نظارت قضات اجرای احکام، در زندان مرکزی مشهد به دار مجازات آویخته شد تا درس عبرتی باشد برای آنان که با سوء ظن‌های بیهوده، آبروی دیگران را به بازی می گیرند و در حالت خشم دست به رفتارهای جنایت آمیزی می‌زنند که فرجام آن بالای چوبه دار رقم می‌خورد.

تحقیقات جدید درباره مردی که بعد از قتلِ همسرش، خودکشی کرد

گروه حوادث – اولیای‌دم زنی که به‌دست شوهرش به قتل رسید، به‌دلیل خودکشی قاتل از دادگاه درخواست کردند از بیت‌المال به آنها دیه پرداخت شود.

والدین عروس جوان بعد از اینکه مشخص شد دامادشان مرتکب قتل شده و خودکشی کرده است، دادخواستی را برای دریافت دیه از بیت‌المال ارائه دادند. هرچند آنها در ابتدا خواستار دیه از بازماندگان خانواده داماد شدند، اما چون پدر مرد جوان اعلام کرد پسرش دارایی‌ای ندارد، آنها نیز درخواست دیه از بیت‌المال را مطرح کردند.

براساس اسناد موجود در پرونده دو سال قبل مأموران گشت پلیس تهران به خودروی زانتیایی که در نزدیک یک پارک متوقف شده بود، مشکوک شدند. از آنجایی که هردو سرنشین سر خود را روی داشبورد گذاشته بودند، مأموران تصور کردند آنها دچار مشکلی شده‌اند، به همین دلیل نزدیک رفتند اما وقتی به شیشه زدند و راننده را صدا کردند، پاسخی دریافت نکردند. آنها بلافاصله به اورژانس خبر دادند و پلاک ماشین نیز استعلام و مشخص شد ماشین متعلق به جوانی به نام کیان است. پلیس با کیان تماس گرفت و مرد جوان تأیید کرد خودرو متعلق به اوست. این مرد گفت: من ماشین را به برادرم داده بودم تا با همسرش بیرون بروند و نمی‌دانم چه اتفاقی برایشان افتاده است اما افرادی که در ماشین هستند، احتمالا برادرم و همسرش هستند.

کیان با حضور در محل حادثه جسد برادر و زن برادرش را شناسایی کرد. او به مأموران گفت: برادرم و همسرش مدتی بود با هم اختلاف داشتند. برادرم می گفت مادرزنش در زندگی آنها دخالت می کند و همین باعث اختلاف آنهاست. روز حادثه به من گفت می‌خواهد با همسرش به تفریح برود و ماشین را نیاز دارد. برادرم دارایی‌اش را از دست داده و ماشینش را هم فروخته بود؛ به همین دلیل از من ماشین خواست.

مرد جوان گفت: برادر من ثروتمند بود اما به‌خاطر شکست مالی اموالش را از دست داد. به همین دلیل با همسرش اختلاف داشت و مادرزنش در زندگی آنها دخالت می‌کرد. در بررسی‌های اولیه معلوم شد هر دو متوفی با گلوله به قتل رسیده‌اند. کلت کوچکی که در دست مرد جوان بود، در همان ابتدا توجه تیم جنایی را جلب کرد و در بررسی‌های بعدی مشخص شد او خودکشی کرده است. در تحقیقات معلوم شد گلوله‌های شلیک‌شده به این زوج متعلق به همین کلت است. از سوی دیگر نحوه قرارگرفتن اسلحه و جهت اصابت گلوله فرضیه قتل و سپس خودکشی را پررنگ‌تر کرد. در ادامه جست‌وجوها دست‌نوشته‌ای در داخل خودرو پیدا شد که نشان می‌داد احتمالا مرد جوان درپی یک انتقام‌گیری ابتدا همسرش را کشته و سپس به زندگی خودش پایان داده است. در این دست‌نوشته که به احتمال زیاد دقایقی قبل از حادثه نوشته شده، اختلاف خانوادگی علت و انگیزه پایان‌دادن به زندگی این زن و مرد عنوان شده بود. باوجوداین هنوز در واقعی‌بودن این دست‌نوشته که می‌توانست کلید حل معمای جنایی باشد، شک و تردید وجود داشت. در بازرسی‌های دقیق خودرو مأموران خودکار آبی‌رنگی را پیدا کردند. رنگ خودکار و سایز نوک آن با نوشته‌های روی کاغذ مطابقت داشت.

با پیداشدن این خودکار نحوه وقوع حادثه محرز شد و بررسی‌های تخصصی دیگر از جمله آزمایش‌های پزشکی‌قانونی ثابت کرد مرد جوان ابتدا همسرش را هدف گلوله قرار داده و سپس خودش را کشته است.

مادر دختر جوان که از او در نامه اسم برده شده بود، مورد تحقیق قرار گرفت. او گفت: دخترم دانشجو بود که با دامادم آشنا شد و عقد کردند. آنها وقتی به خواستگاری آمدند، گفتند داماد دارایی زیادی دارد و ثروتمند است. حتی دامادم گفت پدرش چند شرکت مسافربری دارد و درآمدش بسیار خوب است اما مدتی بعد دامادم هرچه داشت از دست داد و دخترم در شرایط بدی قرار گرفت.

همین موضوع باعث اختلاف آنها بود. دامادم می گفت یک شکست مالی باعث این اتفاق شده است اما دخترم حرفش را باور نمی‌کرد و فکر می‌کرد دامادم به او دروغ می‌گوید و همین مسئله هم دلیل اصلی درگیری‌شان بود. چون دخترم درخواست کرده بود از هم جدا شوند و گفته بود دیگر نمی‌خواهد با او زندگی کند، دامادم فکر می‌کرد من در این رابطه دخالت کرده‌ام و تصورش این بود که حرف دخترم درواقع خواسته من است.

با اینکه بارها گفته بودم من در این تصمیم دخالتی ندارم و فقط خوشحالی دخترم را می‌خواهم اما دامادم حرفم را باور نکرد و درنهایت هم گفته بود کاری می‌کند که همه پشیمان شویم. روز حادثه دخترم گفت شوهرش از او خواسته با هم بیرون بروند و صحبت کنند. دخترم فکر می‌کرد اگر با هم صحبت کنند، می‌تواند او را به این طلاق راضی کند. اما جسد دخترم را تحویل ما دادند. بعد از گذشت دو سال از این حادثه و با قطعی‌شدن موضوع قتل عروس جوان و قاتل‌بودن دامادی که خودکشی کرده بود، اولیای‌دم با ارائه دادخواستی، درخواست دیه از بیت‌المال کردند.

خانواده عروس جوان در شعبه ۱۲ دادگاه کیفری استان تهران گفتند: ما فکر می‌کنیم دامادمان دارایی دارد اما این دارایی را به نام پدرش کرده و خانواده‌اش از او گرفته‌اند؛ به همین دلیل هم دخترم و دامادم اختلاف داشتند. حالا که آنها می‌گویند دامادمان چیزی نداشته ما هم دیه دخترمان را از بیت‌المال می‌خواهیم.

به این ترتیب با تصمیم قضات شعبه ۱۲ دادگاه کیفری استان تهران پرونده برای بررسی اموال مرد متوفی یک‌بار دیگر به جریان افتاد تا درصورتی‌که اموالی از او شناسایی شد، برای پرداخت دیه و مهریه زن جوان توقیف شود.

قتل جوان ایرانی به دست معشوقه سابقش

گروه حوادث – «نفس بکش! نفس بکش! خوب داری کار می‌کنی مرد! ادامه بده! پیش ما بمون!» این آخرین جملاتی بود که ماموران اورژانس اعزام شده به منطقه ونتورتِ پوینت سیدنی به پیمان تقی‌پور گفتند، اما بعد از این جملات، این شهروند ایرانی ساکن استرالیا آخرین نفس‌هایش را کشید. از آنجا بود که پای پلیس به این منطقه باز شد و تحقیقات نشان داد که پیمان تقی‌پور به طرز فجیعی به قتل رسیده است.

تحقیقات پلیس برای یافتن قاتل یا قاتلین زمان زیادی نبرد و آن‌ها فقط به یک نفر رسیدند؛ زنی ۴۴ ساله به نام ژاکلین موسی که بنا به گفته برخی شاهدان، قبلا مدتی کوتاه با پیمان آشنا بود. آنطور که تحقیقات پلیس نشان می‌دهد در روز حادثه ژاکلین به خانه پیمان می‌رود و وقتی او را با خانم دیگری می‌بیند، به شدت عصبانی می‌شود و مشاجره شدیدی بین‌شان شکل می‌گیرد. ژاکلین با عصبانیت خانه را ترک می‌کند و به سمت ماشین خود می‌رود. پیمان هم به دنبال او تا پارکینگ می‌رود، اما نمی‌دانست خشونت شکل گرفته در وجود ژاکلین ممکن است چه سرنوشت تلخ و مرگباری برایش رقم بزند.

در آنجا ژاکلین سوار ماشین تویوتای خود شد و در حالی که پیمان روبه‌رویش قرار داشت، او را به عمد زیر گرفت و با شدت پیمان را به دیوار پارکینگ کوبید. ناز علی، همسایه مقتول که شاهد این جنایت بود، حادثه را این‌طور توصیف می‌کند: قاتل را به وضوح دیدم که آن کار را انجام داد. او سپس از ماشین پیاده شد و به قدری آرام در کنار جنازه پیمان قدم می‌زد که انگار در حال تماشای یک تابلوی نقاشی است. دیگر ساکنان آن آپارتمان می‌گویند این حادثه به قدری شدید و تلخ بود که تمام این منطقه به شوک رفته است.

بنا به گفته آنها، پیمان انسانی بسیار نجیب و آرام و کمتر از یک ماه پیش به این محله نقل مکان کرده بود. نیروهای پلیس نیز در گزارش‌های خود به این مساله اشاره کردند که قاتل و مقتول با هم بودند، اما هیچ گزارشی از خشونت یا بدرفتاری بین‌شان به نیروهای پلیس گزارش نشده است. در ادامه جنبه‌های جالب دیگری نیز به این پرونده هولناک اضافه شد. یک خانم و آقا که گفته می‌شود دختر و پسر ژاکلین هستند به اداره پلیس رفته و گفته‌اند هیچ اطلاعی از کار مادرشان ندارند. آن‌ها حتی به نیروهای پلیس گفتند که مادرشان اصلا در مورد حضور پیمان به آن‌ها اطلاعی نداده بود.

دوستان نزدیک پیمان که همگی ایرانی هستند، می‌گویند که شب قبل از حادثه او را با یک خانم دیدند و بعد از آن، او دیگر جواب تلفن‌هایش را نداد. ساموئل زیزی، دوست صمیمی پیمان نیز می‌گوید او که مدت‌هاست در اینجا به کار نقاشی مشغول است، به رابطه با ژاکلین اشاره نکرده بود. ژاکلین در این حادثه مچ دستش آسیب دید و به درمانگاه برده شد. او پس از رفتن به زندان، تقاضای وثیقه برای آزادی مشروط نکرد و اولین دادگاه محاکمه او با حضور شاهدان و نیروهای پلیس در چند روز آینده برگزار می‌شود.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶)
سایت: www.eghtesad-kish.ir

استخدام

به یک نفر کارمند خانم مسلط به امور اداری و دفتری برای شیفت عصر نیازمندیم
۰۷۶۴۴۴۲۴۹۹۹

فروشگاه مبلمان کاسونی کیش استخدام می نماید
سرپرست فروشگاه با ۵ سال سابقه سرپرستی
کارشناس فروش (آشنا با مبلمان و کالای خواب)
کد رزومه سرپرست فروش ۰۰۱۶
کد رزومه کارشناس فروش ۰۰۵
Hr@yatash.ir
02125923 داخلی 102

استخدام
خدمات
مفقودی
خرید و فروش و ...

نصب لوستر فوری
۰۹۳۸۵۷۵۰۸۶۷

فود فور کیش
سامانه آنلاین سفارش غذا
از رستورانهای جزیره کیش
وب سایت و اپلیکیشن
www.F4k.ir

خدمات

به نیروی خدماتی خانم/آقا با سواد
نیازمندیم ۴۴۴۲۰۲۸۳
ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

باز سازی و پیمان کاری ساختمان
رجب زاده ۰۹۱۲۲۰۹۹۱۵۸

مفقودی

نیروی اداری خانم
آشنا به کامپیوتر جهت کار
در یک شرکت مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید
روبروی هایپر مارکت بالای بانک
سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
ساعت کار: یک شیفت (۸ تا ۳ بعدازظهر)

شرکت چرتکه کیش
خدمات حسابداری، حسابرسی و مالیاتی
آموزش حسابداری و بورس
۰۷۶۴۴۴۶۷۰۲۵
CHORTKEHKISH

تاسیسات ساختمان
آب–برق– کلیه امور
کلی وجزئی
توانا
۰۹۱۷۹۴۹۰۸۳۱

کف پوش سه بعدی
فروش ونصب در جزیره
۰۹۱۱۵۹۱۸۳۷۶
۰۹۱۲۵۷۹۳۲۱۲

اصل کارت تردد داخلی فرودگاهی به نام آقای علی اسدی غروی به شماره ۲۲۸۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد

اصل کارت کیشوندی آقای محمد مهدی آهویی به شماره پرونده ۲۰۸۵۰۱/۰۱ مفقود گردیده واز درجه اعتبار ساقط میباشد

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۰۲۸۴ ۴۴۴۲۴۹۹۹

حمل بار در سطح جزیره با شش چرخ
فقط با یک تلفن
باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

نقاشی ساختمان
کلی و جزیی
باقری ۰۹۳۴۷۶۹۲۶۳۵

اصل کارت کیشوندی خانم خدیجه پور مختار به شماره پرونده ۱۶۲۸۰۰/۰۱ مفقود گردیده وازدرجه اعتبار ساقط می باشد

شهروند گرامی کیش!
به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روزدهها آگهی درنیازمند یهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود.
از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهروندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، با روش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.